

جایگاه زیدبن علی در علوم قرآن و تفسیر

bagheri@qabas.net

علی اوسط باقری / استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

پذیرش: ۹۶/۳/۱۹

دریافت: ۹۵/۱۱/۳

چکیده

این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و از رهگذر شناسایی آثار قرآنی زیدبن علی، جایگاه وی را در علوم قرآن و تفسیر بازگشوده است. کاربرد «حلیف القرآن» درباره وی نشانگر پیوند استوار او با قرآن است. زید دارای قرائتی مشهور بوده که برخی آن را در کتابی مستقل جمع آورده اند.

«مدخل الی القرآن و تفسیر لمواضع مختارة منه» زید، علاوه بر مباحث مقدماتی لازم برای تفسیر، مشتمل بر تفسیر برخی آیات می باشد. احتمالاً «تفسیر سورة الفاتحة و بعض آیات القرآن» منسوب به وی، درس گفتارهای او در مدت پنج ماه زندانی بودنش در کوفه می باشد. همچنین احتمالاً «الرد علی القدرية من القرآن» منسوب به وی، همان «الرد علی المجبرة» است که در ضمن مجموعه کتابها و رسائل زید منتشر شده است.

زید «الصفوة» را به منظور اثبات برتری اهل بیت علیهم السلام با تکیه بر آیات قرآن نگاشت و در «کتاب القلة و الکثرة» که نگاشته خود زید یا به املاي اوست، ملاک حقانیت نبودن اکثریت را از منظر قرآن اثبات کرد. «تفسیر غریب القرآن» در صورت صحت انتسابش به زید، نخستین تألیف در غریب القرآن خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: علوم قرآن، تفسیر قرآن، غریب القرآن، زیدبن علی، زیدیه، اهل بیت علیهم السلام، اقلیت، اکثریت، قدریه.

مقدمه

شخصیت قرآنی این فرزند برومند خاندان امامت ضروری می‌نماید.

قابل ذکر است که تفسیر غریب القرآن منسوب به زید از سوی دو محقق به طور مستقل تحقیق و در لبنان و ایران منتشر شده است، محققان ارجمند در مقدمه تحقیق به زندگی و آثار زید پرداخته‌اند، ولی برخی مطالبشان دقیق نیست. در پژوهش حاضر برخی خطاهای موجود در این دو تحقیق نشان داده شده است.

۱. معرفی مختصر شخصیت زید

زید شهید فرزند برومند امام زین‌العابدین علیه السلام، از فقیهان برجسته و قرآن‌شناسان بزرگ سده دوم است. ایشان برای امر به معروف و نهی از منکر و خون‌خواهی جدهش حسین بن علی علیه السلام قیام کرد و بر آن بود تا حکومت را به جایگاه اصلی‌اش بازگرداند و در این راه جان خویش را در طبق اخلاص نهاد و خونین‌بال به دیدار معشوق شتافت (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۰۶، ش ۲۶۵۵؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۷۴؛ ر.ک: امین، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۱۰۷؛ ابن‌حبان، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۵۰؛ ابن‌سعد، ۱۳۷۶ق، ج ۵، ص ۲۵۱؛ مزّی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۴۷۸ و ۴۷۹).

شیخ مفید، زید را این‌گونه می‌شناساند: زید بن علی بن الحسین علیه السلام پس از ابو جعفر [امام محمد باقر] افضل برادرانش بود؛ فردی عابد، پرهیزگار، فقیه، بخشنده و شجاع بود که برای امر به معروف و نهی از منکر و خون‌خواهی حسین علیه السلام قیام کرد (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۷۱). جاحظ وی را از سخنوران بنی‌هاشم شمرده (زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۳، ص ۵۹؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۹، ص ۴۵۱) و ابوحنیفه درباره‌اش می‌گوید: «شاهدت

شناخت مفسران قرآن و اندیشمندان علوم قرآنی و جایگاه آنها در دانش تفسیر و علوم قرآن از اهمیت بسزایی برخوردار است. این مقاله بر آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی جایگاه زید بن علی علیه السلام را در علوم قرآن و تفسیر از رهگذر بررسی آثار منسوب به وی شناسایی کند.

با آنکه زید به‌یقین یکی از مفسران کلام الهی محسوب می‌شود و کتاب‌هایی قرآنی یا با رویکرد قرآنی برای وی ذکر شده، اما در کتاب‌هایی که به تاریخ تفسیر و علوم قرآن پرداخته‌اند به جایگاه او توجه شایسته‌ای نشده است. ذهبی به مناسبت یادکرد زید به، تنها از حرکت زید علیه بنی‌امیه و فرجامش و برخی اسباب تفرق اصحابش سخن گفته و هیچ اشاره‌ای به جایگاه علمی وی نکرده است (ر.ک: ذهبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷)، داوودی و سیوطی در طبقات مفسران هیچ یادی از وی نکرده‌اند. عادل نوبهض تنها از تفسیر غریب القرآن منسوب به زید سخن گفته و به دیگر آثار منسوب به وی عنایتی نکرده است (ر.ک: نوبهض، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۹۸). محمدهادی معرفت خیلی مختصر درباره تفسیر غریب القرآن منسوب به زید سخن گفته و به دیگر آثار قرآنی وی اشاره‌ای نکرده است (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۵۱۱). علی‌اکبر بابایی با آنکه بیش از دیگران درباره شخصیت تفسیری زید سخن گفته، ولی بیشترین توجهش به تفسیر غریب القرآن زید بوده و نیز به کتاب الصفوة وی پرداخته است، ولی به همه آثار قرآنی و جایگاه زید در قرائت نپرداخته است (ر.ک: بابایی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۰۶-۳۱۱). محمدعلی مهدوی‌راد تنها به کتاب القرائة و تفسیر غریب القرآن زید پرداخته و دیگر آثار قرآنی وی را مورد توجه قرار نداده است (مهدوی‌راد، ۱۴۲۱ق، ص ۱۹ و ۱۸). با توجه به آنچه ذکر شد، معرفی کامل تر

کتابی مستقل جمع آورده‌اند. عمر بن موسی و جیهی که معاصر زید بود، نخستین کسی است که قرائت‌های او را در کتابی جمع آورد. این کتاب بعد از سال ۱۶۱ ق هم موجود بوده است (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۳۲۷؛ نیز ر.ک: وجیه، ۱۴۲۰ ق، ص ۴۴۳). حسن بن علی اهوازی (م ۴۴۶ ق) نیز قراءات زید را جمع آورده است (حاجی خلیفه، بی تا، ج ۲، ص ۷۸۷؛ امین، ۱۴۰۶ ق، ج ۷، ص ۱۱۲؛ اسماعیل باشا، بی تا، ج ۱، ص ۲۷۵). ابو حیان علاوه بر ذکر قراءات زید در تفسیر البحر المحیط (از جمله در ج ۱، ص ۳۴، ۴۱، ۴۵، ۴۹، ۶۲، ۸۲، ۱۱۶)، آنها را در کتابی به نام الثیر الجلی فی قراءه زید بن علی به نظم کشیده است (ر.ک: مقری، بی تا، ج ۳، ص ۳۰۷؛ زید بن علی، ۱۴۱۲ ق، ص ۳۷ - سه نقل از: حسین بن احمد، الروض النضیر شرح مجموع الفقه، ج ۱، ص ۱۹؛ اسماعیل باشا، بی تا، ج ۲، ص ۱۵۲).

در کتاب‌های قرائت نیز به قرائت‌های زید پرداخته‌اند؛ از جمله: ابن جنی در المحتسب (ر.ک: ابن جنی، بی تا، ج ۱، ص ۱۱، ۲۰۲) و کرمانی در شواذ القراءات (برای نمونه ر.ک: کرمانی، ۱۴۲۲ ق، ص ۴۰، ۴۹، ۵۲، ۵۳، ۵۵).

فراهم آورندگان معجم القراءات القرآنیة نیز قرائت‌های زید را گزارش کرده‌اند (برای نمونه، ر.ک: مختار عمر و سالم مکرم، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ص ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴). برخی بر آند گزارش ایشان از قرائت‌های زید ناقص است و به همه منابعی که قرائت‌های وی را نقل کرده‌اند مراجعه نشده است (زید بن علی، ۱۴۱۲ ق، ص ۳۷).

بروکلمان در مجموعه مخطوطات جلازر در کتابخانه برلین از کتابی به نام قراءه زید بن علی برای زید نام می‌برد (ر.ک: بروکلمان، بی تا، ج ۲، جزء ۳، ص ۳۲۳) و در برخی منابع، مجموعه‌ای با عنوان قراءه جسد علی بن ابی طالب به وی نسبت داده شده است (صدر، بی تا، ص

زید بن علی کما شاهدت اهله فما رأیت فی زمانه افقه منه و لا أعلم و لا أسرع جواباً و لا أبین قولاً) (زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۳، ص ۵۹). البسته روشن است که کلام ابوحنیفه مبالغه‌آمیز است؛ زیرا زید نمی‌تواند از امام معصوم افقه و اعلم باشد و قطعاً خود وی نیز چنین ادعایی نداشته است. شیخ طوسی، زید را از اصحاب پدر بزرگوارش امام زین العابدین علیه السلام، برادرارجمندش امام باقر علیه السلام و برادرزاده گرانقدرش امام صادق علیه السلام شمرده است (طوسی، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۱۳، ۱۱۲۶؛ ص ۱۳۵، ۱۴۰۶؛ ص ۲۸۶، ۲۶۵۵). کسان بسیاری از جمله اسماعیل بن عبدالرحمن السدّی، ابو حمزه ثمالی، سلیمان بن مهران اعمش، عمرو بن خالد واسطی، محمد بن مسلم بن شهاب زهری از وی روایت کرده‌اند (ر.ک: مزی، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۴۷۷؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۹، ص ۴۵۱).

زید پیوند وثیقش با قرآن را این‌گونه بیان می‌کند: مدت ۱۳ سال با قرآن خلوت کرده، قرائتش می‌کردم و در آن می‌اندیشیدم (مقریزی، بی تا، ج ۲، ص ۴۳۶). وی خطاب به بیعت‌کنندگان که دست از یاری‌اش برداشته بودند، فرمود: واللّه ما خرجت و لا قمت مقامی هذا حتی قرأت القرآن و أتقنت الفرائض و أحکمت السنن و الآداب و عرفت التأویل کما عرفت التنزیل، و فهمت الناسخ و المنسوخ، و المحکم و المتشابه، و الخاص و العام (مقریزی، بی تا، ج ۲، ص ۱۴۰).

ابوالجارود زید بن منذر گوید: به مدینه رفتم و هرگاه درباره زید پرسیدم، گفتند: او «حلیف قرآن» است (مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۱۷۴؛ مقریزی، بی تا، ج ۲، ص ۴۳۷).

۲. قرائت زید

زید را قرائتی است مشهور (امین، ۱۴۰۶ ق، ج ۷، ص ۱۱۲) که برخی از عالمان بدان اهتمام ورزیده و آن را در

۲. نگاشته‌های قرآنی زید

به زید کتاب‌هایی نسبت داده شده که برخی از آنها در موضوعات قرآنی و برخی در موضوعات کلامی ولی با جهت‌گیری و صبغه قرآنی است. در ذیل، این نگاشته‌ها را بررسی می‌کنیم:

۱-۳. مدخل الی القرآن و تفسیر لمواضع مختارة منه

بروکلمان در مخطوطات جلازر در کتابخانه برلین، از این کتاب یاد کرده است (ر.ک: بروکلمان، بی تا، القسم الثاني ۳-۴، ص ۳۴۸). فؤاد سزگین نیز در معرفی آن می‌نویسد: «برای زید کتابی است که مدخلی برای (فهم) قرآن است و مشتمل بر تفسیر برخی آیات قرآن می‌باشد» (سزگین، ۱۴۰۲ق، ج ۳، ص ۳۲۳).

۲-۳. تفسیر سورة الفاتحة و بعض آیات القرآن

این کتاب را حسن محمد تقی حکیم در مقدمه تحقیق غریب القرآن زید ذکر کرده و از نسخه ناقصی از آن در کتابخانه برلین خبر داده است (ر.ک: زیدبن علی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۱). وی همچنین در مستندسازی کتاب غریب القرآن زید به آن ارجاع داده است (ر.ک: همان، ص ۷۶، پانوش‌های ۱، ۳ و ۵، ۹۴، ۹۷ و ۱۱) و در فهرست منابع تحقیق نیز از آن یاد کرده، چنین می‌نویسد: «تفسیر سورة الفاتحة و بعض آیات القرآن، لزیدبن علی، مخطوط، مکتبه جامعه بیبل رقم ۴۷۱» (ر.ک: همان، منبع شماره ۶۹).

تا آنجا که راقم سطور به منابع مراجعه کرد، کسی چنین کتابی به زید نسبت نداده است. حکیم در مقدمه تحقیق به تاریخ التراث العربی سزگین (ج ۲، ص ۲۹۱) و تاریخ الأدب العربی بروکلمان (ج ۳، ص ۳۲۴) ارجاع داده است، ولی در آنها هم یادی از این کتاب یافت نشد.

۳۴۳؛ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۵۴؛ مرقم، ۱۳۵۵ق، ص ۲۱). به احتمال قوی این مجموعه همان است که با عنوان قرائة زید از آن یاد شده است. بنابراین، زید قرائتی خاص برای خود نداشته است، بلکه آن را از امام امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است. شیخ طوسی در معرفی عمر بن موسی و جیهی می‌نویسد: زیدی له کتاب قراءة زیدبن علی أخبرنا أحمدبن عبدون... قال حدثنی ابراهیم بن مسکین أبو اسحاق البصری کتبت عنه فی الحریبة سنة احدى و ستین و مأتین قال: حدثنی یحیی بن کهمس أبو بکر الغزازی قال: حدثنی عمر بن موسی الوجیهی قال: هذه القراءة سمعتها من زیدبن علی بن الحسین علیه السلام قال: و سمعت زیدبن علی یقول: هذه قراءة أميرالمؤمنین (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۲۷؛ نیز، ر.ک: صدر، بی تا، ص ۳۴۳؛ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۵۴). مرقم پس از ذکر کتابی به نام قراءة جده علی بن ابی طالب، به نقل از فهرست شیخ طوسی، می‌نویسد: محتمل است این کتاب با قرائت‌هایی که ابوحیان آنها را جمع‌آوری کرده یکی باشد (مرقم، ۱۳۵۵ق، ص ۱۸-۲۱). اخیراً حمودی قرائت‌های زید را از آثار مختلف تفسیری و علوم قرآنی استخراج کرده و ضمن دسته‌بندی آنها در دو دسته (۱. قرائت‌های ویژه زید؛ ۲. قرائت‌های مشترک)، و تقسیم دسته دوم به چهار مورد (الف. قرائت‌های مشترک با قرائت‌های قراء هفتگانه؛ ب. قرائت‌های مشترک با قرائت‌های یکی از قراء سه‌گانه مکمل قراء ده‌گانه؛ ج. قرائت‌های مشترک با قرائت قاریان مکمل قاریان چهارده‌گانه؛ د. قرائت‌های مشترک با غیر قاریان چهارده‌گانه)؛ جنبه‌های نحوی و لغوی قرائت‌های زید را در دو فصل مستقل به بررسی نشست است (ر.ک: حمودی، ۱۴۲۷ق).

نشده است، عمر رضا کحاله نامی از آن نبرده، در سیر اعلام النبلاء و طبقات ابن سعد نامی از کتاب‌های زید برده نشده است. در تاریخ مدینه دمشق، معجم الرجال خوئی، و قاموس الرجال شوشتری نیز اسمی از کتاب مذکور برده نشده است؛ از این رو، عبارت «وقد ذكره في مؤلفات زید كل من ترجمه» در متن جناب جلالی موجه نمی‌نماید، بایسته بود ایشان نام برخی منابع که چنین کتابی را به زید نسبت داده‌اند ذکر می‌کردند.

آری، عبدالسلام بن عباس وجیه از کتابی با نام الرد علی المجبره یاد کرده و درباره آن می‌نویسد: طبع ضمن المجموعة السابقة [کتب و رسائل الامام زیدبن علی بتحقیق محمدیحیی سالم] - خ - ضمن مجموع بمکتبه السيد محمد حسن العجری (وجیه، ۱۴۲۰ق، ص ۴۴۳). احتمالاً کتاب مزبور همان الرد علی القدرية من القرآن باشد؛ چراکه قول به قضاء و قدر آنچنان که حنبله و اشاعره بدان قایل هستند، به جبر منتهی می‌شود (ر.ک: سبحانی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۱۵؛ سبحانی، ۱۳۷۸، جزء ۱، ص ۱۳۵).

۳-۴. کتاب الصفوة

این کتاب به منظور اثبات برتری اهل بیت علیهم السلام با تکیه بر آیات قرآن نگاشته شده است. زید در این اثر آیات بیانگر مساوی نبودن امت انبیای الهی و وجود گروهی برتر و برگزیده در میان ایشان، و به دنبال آن، آیات بیانگر اصطفاء اهل بیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را بررسی کرده است.

این اثر پیش‌تر با همت ناجی حسن تحقیق و نشر یافته است و حسینی جلالی با همان پژوهش و با مستندسازی به همراه غریب القرآن زید منتشر نموده است (ر.ک: زیدبن علی، ۱۴۱۸ق، ص ۵۵۰-۵۱۱).

ناجی حسن در مقدمه تحقیق خود با اشاره به اینکه برخی محققان که از کتاب‌های زید سخن گفته‌اند، از این

ابن غسان ازدی گوید: هشام بن عبدالملک، زید را ۵ ماه زندان کرد و زید سوره «حمد» و «بقره» را برای ماکه همانند او زندانی بودیم، تفسیر کرد (مقرم، ۱۳۵۵ق، ص ۱۵). احتمالاً کتابی که حکیم از آن یاد کرده، برآمده از این جلسات تفسیری باشد. البته اینکه خود زید آن را نگاشته باشد معلوم نمی‌شود.

آیت‌الله سبحانی در شمار نگاشته‌های زید از این اثر نام برده و تنها به مقدمه حکیم ارجاع داده است (سبحانی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۱۹-۱۲۶). ظاهراً ایشان در جای دیگر انتساب چنین کتابی را به زید نیافته است.

۳-۳. کتاب الرد علی القدرية من القرآن

محمدجواد حسینی جلالی که کتاب غریب القرآن زید را تحقیق و در ایران نشر داده، در مقدمه تحقیق خود از این کتاب یاد کرده است. ایشان می‌نویسد: آورد هذا الكتاب ابو منصور عبدالقاهر البغدادي في «اصول الدين»: ۳۰۷- كما في زید الشهيد: ۲۱. و قد ذكره في مؤلفات زید كل من ترجمه (زیدبن علی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۳).

ابومنصور، زید را در شمار متکلمان تابعی ذکر کرده، می‌نویسد: له کتاب فی الرد علی القدرية من القرآن (ابومنصور بغدادی، ۱۳۴۶ق، ص ۳۰۷). مقرم، هشت کتاب برای زید نام برده و در مقدمه ذکر آنها می‌نویسد: نذكر ههنا ما اوقفنا عليه البحث مما وجدنا الاشارة اليه في كتب علمائنا او وجدناه منسوباً اليه عند علماء الزيدية على علاته (مقرم، ۱۳۵۵ق، ص ۱۸)، ولی با وجود این، در میان آثار منتسب به زید از کتاب مذکور نام نبرده است. نگارنده به برخی کتاب‌هایی که به زندگی زید پرداخته‌اند مراجعه کرد، ولی در آنها نامی از این کتاب نیافت. در اعیان الشيعة اساساً نامی از کتاب‌های وی به میان نیامده است، زرکلی از آن یاد نکرده است، در الذريعة چنین کتابی ذکر

کتاب یاد نکرده‌اند، برای اثبات صحت انتساب کتاب مذکور به زید، بر این امر تأکید می‌کند که در برخی کتاب‌ها، از جمله تفسیر فرات کوفی، مطالبی از زید نقل شده که عیناً در کتاب مورد بحث آمده است (ر.ک: زیدبن علی، ۱۴۱۸ق، ص ۵۱۶ و ۵۱۷).

روشن است که این استدلال درست نیست؛ زیرا صرف نقل مطالبی از زید که مطابق با کتاب الصفوة می‌باشد دلیل بر اینکه نویسنده آن زید می‌باشد نیست. آری، اگر در کتاب‌های مورد اشاره ایشان تصریح شده بود که مطلب منقول از کتاب الصفوة زید می‌باشد سخن ایشان درست بود، درحالی‌که چنین نیست، بلکه صرفاً در کتاب‌های مزبور مطالبی از زید نقل شده که در کتاب مذکور هم موجود است؛ مثلاً، در کتاب الصفوة درباره آیه تطهیر آمده است: «فقد علم أنّ جهّالا من الناس یزعمون أنّ الله إنما اراد بهذه الآیة أزواج النبی - صلی الله علیه و آله و سلم - خاصة، فانظر فی القرآن فإن کان إنما جعل أهل الأنبیاء أزواجهم الذی أنزله علیهم فصدّقوه، و إن کان یسمی للأنبیاء أهلا سوی أزواجهم، فهذه الجهالة بأمر اللّٰه» (زیدبن علی، ۱۴۱۸ق، ص ۵۳۳). و در تفسیر

علی بن ابراهیم همین مطلب، البته با تفاوت قابل اعتنا، به گونه‌ای که استدلال در دو بیان کاملاً متفاوت است، چنین آمده است: «قال ابوالجارود قال زیدبن علی بن الحسین علیه السلام أنّ جهّالا من الناس یزعمون إنما اراد بهذه الآیة أزواج النبی و قد کذبوا و أثموا لو عنی بها أزواج النبی لقال: لیذهب عنکن الرجس و یطهرکن تطهیرا، و لکان الکلام مؤنثا كما قال و اذکرن ما یتلی فی بیوتکن و لاتبرجن و لستن كأحد من النساء» (قمی، بی تا، ج ۲، ص ۱۹۳؛ زیدبن علی، ۱۴۱۸ق، ص ۵۱۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۵، ص ۲۰۶ و ۲۰۷). حال آیا به صرف این انطباق، آن هم در اصل مدعا و تفاوت در استدلال، می‌توان صحت

انتساب کتاب الصفوة به زید را استفاده کرد؟ آری، اگر مقصود ناجی حسن این باشد که چون همین محتواها در برخی منابع دیگر از زید نقل شده، پس استناد این مطالب به زید درست است، مطلب به حقی است، ولی استناد کتاب به زید را درست نمی‌کند.

در آغاز کتاب مذکور، سند آن به زید ذکر شده و در آن چنین آمده است: «حدثنا أبو الطیب علی بن محمد مخلص الکوفی... عن أبي الزناد، و اصحاب زیدبن علی، عن زیدبن علی علیه السلام فی کتاب الصفوة» (زیدبن علی، ۱۴۱۸ق، ص ۵۱۹). عبارت «عن زیدبن علی فی کتاب الصفوة» ظهور در این دارد که کتاب نگارش خود زید است و راویان، کتاب را روایت کرده‌اند نه اقوال شفاهی زیدبن علی علیه السلام را. نسخه‌ای از کتاب الصفوة در موزه بریتانیا نگه‌داری می‌شود که ظاهراً تنها نسخه آن است. ناجی حسن همین نسخه را تحقیق و منتشر کرده است (ر.ک: زیدبن علی، ۱۴۱۸ق، ص ۵۱۶). آغابزرگ طهرانی از این نسخه یاد کرده، می‌نویسد: «الصفوة لزید الشهید توجد فی المتحف البریطانی برقم ۳۹۷۷» (طهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۵، ص ۴۷).

۳-۵. کتاب القلة و الکثرة

در برخی کتاب‌هایی که در شرح حال زید نگاشته شده، کتابی به این نام به وی نسبت داده شده است که آن را خالد بن صفوان روایت کرده است. مقرّم به نقل از الروض النضیر (ج ۱، ص ۶۵) می‌نویسد: «کتاب مدح القلة و ذم الکثرة رواه خالد بن صفوان» (مقرّم، ۱۳۵۵ق، ص ۲۱). وی در جای دیگر، به تفصیل روایت خالد درباره این اثر را بیان می‌کند. خالد گوید: زیدبن علی علیه السلام در رُصافه (شهری در سوریه) بود که همراه گروهی از شامیان و عالمان ایشان بر وی وارد شدیم. آنان فردی را به همراه داشتند که در شام به بلاغت و توانایی نقد و اقامه برهان

ثم قال: إنك ذكرت الجماعة و زعمت أنه لن يكن جماعة قط إلا كانوا على الحق، واللّه - عزوجل - يقول في كتابه... [ذكر ۹ آیه در ارتباط با موضوع بحث] ثم أخرج إلينا كتاباً قاله في الجماعة و القلة (ر.ك: ابن طاووس، ۱۴۲۱ق، ص ۴۳۵-۴۳۷).

از نقل پیشین و فراز پایانی این نقل استفاده می‌شود زید کتابی در موضوع اقلیت و اکثریت در قرآن داشته و خود به صورت مستقیم آن را نگاشته است یا آنکه به دیگری املا کرده و او به رشته تحریر درآورده است.

۳-۶. تفسیر غریب القرآن

در برخی منابع، کتابی در غریب القرآن به زید نسبت داده شده است. این کتاب ابتدا با تحقیق حسن محمدتقی حکیم در بیروت و سپس با تحقیق مستقل محمدجواد حسینی جلالی در ایران منتشر شده است. اگر اثبات شود این کتاب از زید می‌باشد، باید آن را نخستین کتاب در غریب القرآن شمرد، ولی در انتساب آن به زید تردید وجود دارد. در ادامه، ابتدا درباره نخستین کتاب غریب القرآن سخن خواهیم گفت و سپس به بررسی انتساب کتاب به زید خواهیم پرداخت و در پایان به صورت اجمالی شیوه کتاب منسوب به زید را بیان خواهیم کرد.

۳-۶-۱. نخستین مؤلف در غریب القرآن: معروف آن است که نخستین مؤلف در غریب القرآن، ابان بن تغلب (م ۱۴۱ق)، شاگرد برجسته امام زین العابدین علیه السلام است. وی امام چهارم، امام باقر و امام ششم علیهما السلام را ملاقات نموده و از جایگاهی بلند در نزد ایشان برخوردار بوده است (ر.ك: طوسی، ۱۳۴۸، ص ۷؛ همو، ۱۴۱۵ق، ص ۱۰۹، ش ۱۰۶۶؛ ۱۲۶، ش ۱۲۶۵؛ ۱۶۴، ش ۱۸۷۱؛ همو، ۱۴۲۰ق، ص ۴۴، ش ۶۱). امام باقر علیه السلام خطاب به وی

معروف بود. با زید درباره اکثریت و اعتبار آن گفت‌وگو کردیم و به او گفتیم: خدا با جماعت است و جماعت حجت خدا بر خلق‌اند و اقلیت و گروه اندک اهل بدعت و گمراهی‌اند. سپس وی حمد و ستایش خدای گفت و ثنای حق به جای آورد و بر محمد و آلش درود فرستاد و سخنانی گفت که تا آن زمان چنان سخنان پسندآموز، مستدل و رسا از هیچ قرشی و هیچ عربی نشنیده بودم، سپس کتابی بیرون آورد که درباره اکثریت و اقلیت بود و در آن آیاتی از قرآن که افراد بسیار را مذمت و گروه اندک را ستوده بود جمع آورده بود؛ آیاتی که به این مطلب رهنمون بودند که اهل طاعت هرچند تعدادشان کم باشد اهل جماعت‌اند و گروه بسیاری که معصیت‌کار باشند، اهل بدعت می‌باشند (مقرم، ۱۳۵۵ق، ص ۱۶ و ۱۷).

سیدبن طاووس بخشی از کتاب مورد بحث را ذکر کرده است (ر.ك: ابن طاووس، ۱۴۲۱ق، ص ۴۳۸-۴۳۵) و حسینی جلالی همان بخش را با تعلیقاتی در پایان غریب القرآن منتشر کرده است (ر.ك: زیدبن علی، ۱۴۱۸ق، ص ۵۵۱-۵۵۹).

سیدبن طاووس در معرفی کتاب مزبور می‌نویسد: مجلدة صغيرة القالب علیها مکتوب: رسالة فی مدح الاقل و ذم الاكثر. بخشی را که وی نقل کرده چنین آغاز می‌شود: أنّ زیداً - علیه السلام - دخل الشام، فسمع به علماءؤها فحضروا المشاهدة و مناظرته، و ذكروا له: أنّ أكثر الناس علی خلافه و خلاف ما یعتقده - علیه السلام - فی آبائه من استحقاق الإمامة، و احتجوا بالکثرة، فاحتج - علیه السلام - علیهم بما نذکره بلفظه:

فحمد الله زیدبن علی و اثنی علیه و صلی علی نبیه - صلی الله علیه و آله و سلم - ثم تکلم بکلام ما سمعنا قرشياً و لا عربياً أبلغ فی موعظة و لا اظهر حجة و لا أفصح لهجة منه.

فرمود: إجلس فی مسجد المدینة و أفت الناس فانی أحب أن یری فی شیعتی مثلک (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۴۴).
 أبان در علوم گوناگون بر همگان خود پیشی گرفته بود و کتاب‌های متعددی را به رشته تحریر درآورده بود. نجاشی می‌نویسد: کان أبان -رحمة الله- مقدماً فی کل فن من العلم فی القرآن و الفقه و الحدیث و الأدب و اللغة و النحو (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۱۰). سیدحسن صدر وی را اولین مؤلف در علم قرائت (صدر، بی تا، ص ۳۱۹) و معانی القرآن (همان، ص ۳۲۰) معرفی کرده و تقدمش در غریب القرآن را چنین بیان می‌کند: اول من صنف فی غریب القرآن هو أبان بن تغلب ایضاً و قد نص علی تصنیفه فی ذلك السیوطی فی ترجمته فی الطبقات، و یاقوت الحموی فی معجم الادباء (همان).

حسین نصار پس از تردید در صحت نگارش کتابی در غریب القرآن از سوی ابن عباس می‌نویسد: «حال که به تاریخ تدوین اقوال ابن عباس یقین نداریم، به یقین باید از مؤلف دوم یعنی ابوسعید بن تغلب بن رباح بکری (م ۱۴۱ق) یاد کرد که با توجه به تصریح شرح حال نویسان، وی کتابی در غریب القرآن نگاشته است.

بدین سان، یقیناً تدوین در این شاخه علم از نیمه نخست قرن دوم هجری متأخر نیست. یاقوت کتاب ابان را ذکر کرده و اطلاعاتی درباره آن به دست داده است. وی می‌نویسد: «ابان کتاب الغریب فی القرآن را نگاشت و شواهدی از شعر در آن ذکر کرد» (حسین نصار، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۳. نیز ر.ک: طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۴۵).

در صورت صحت انتساب کتاب غریب القرآن به زید، وی اولین مؤلف در زمینه غریب القرآن خواهد بود. آیت الله جعفر سبحانی می‌نویسد: «لو صحت نسبة تفسیر غریب القرآن المطبوع حدیثاً لزید... فهو اول باکورة فی هذا النوع ظهر فی الصعید الاسلامی» (سبحانی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۲۲ و ۱۲۳) مست خلوتش با قرآن کتاب غریب القرآن را نگاشته

برخی محققان برآنند که هرچند شهادت زید پیش از درگذشت أبان بوده است، اما به صرف این نمی‌توان به فرض اثبات صحت انتساب غریب القرآن به زید، وی را در نگارش غریب القرآن بر أبان مقدم دانست. یکی از محققان در این باره می‌نویسد: «درست است که أبان به سال ۱۴۱ زندگی را بدرود گفته است، اما او از اصحاب حضرت باقر علیه السلام (م ۱۱۴) بوده است و در آن روزگار در مرتبتی از دانش بوده که امام علیه السلام می‌فرمود: اجلس فی المدینة و أفت الناس فانی أحب أن یری فی شیعتی مثلک (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۷؛ طوسی، ۳۴۸، ص ۱۰). بنابراین، کسی که قبل از سال ۱۱۴ در جایگاهی از دانش است که می‌تواند فتوا دهد، بعید نیست که کتابی در «غریب القرآن» تدوین کرده باشد» (مهروی راد، ۱۴۲۱ق، ص ۱۹، پانوش ۳۱). ایشان در ادامه نکته‌ای را از سید محمد رضا جلالی حسینی یادآور می‌شود که می‌گوید: «به ویژه اگر به این نکته توجه کنیم که آنان ابتدا قرآن و لغت می‌آموختند و سپس فقه را» (همان). نیز مستذکر می‌شود که «ضبط تاریخ شهادت به سال ۱۲۰ نیز گویا دقیق نیست» (همان). ولی باید توجه داشت که اولاً: زید را به فقاهت هم شناسانده‌اند و اساساً شهرت وی به فقه می‌باشد تا تفسیر و علوم قرآن؛ ثانیاً: حرکت انقلابی زید در سال ۱۲۱ یا ۱۲۲ ق بوده است و از سوی دیگر، خود بیان می‌دارد ۱۳ سال با قرآن خلوت کرده و در آن می‌اندیشیده است و در خطابه‌ای به بیعت‌کنندگان برای همراهی قیامش، خود را عالم به تأویل و مطلع از ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و غیره معرفی می‌کند. با لحاظ سال قیام زید، به فرض اینکه وی بلافاصله بعد از خلوت ۱۳ ساله با قرآن، قیامش را آغاز کرده باشد، ابتدای این خلوت و تأمل، سال ۱۰۹ یا ۱۰۸ خواهد بود و هیچ بعید نیست وی در ۵ ساله

بررسی می‌کنیم.
دلیل اول: این کتاب با سند برای ما نقل شده و رجال آن ثقه می‌باشد و در نتیجه، کتاب دارای سند مورد قبول می‌باشد (همان).

بررسی: کتاب با چهار واسطه از زید نقل شده است. سند مزبور چنین است: حدثنا ابو جعفر (مراد محمد بن منصور یزید مرادی است) قال: حدثنا علی بن احمد. قال: حدثنا عطاء بن السائب قال: حدثنا ابو خالد عمرو بن خالد الواسطی عن زید بن علی علیهما السلام (همان، ص ۷۶). با صرف نظر از اینکه بین آخرین راوی کتاب یعنی ابو جعفر محمد بن منصور و محققان و نشر دهندگان کتاب «غریب القرآن» سند متصلی وجود ندارد (ر.ک: بابایی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۰۸)، بجز عمرو بن خالد واسطی، سه فرد دیگر در کتاب‌های رجال شیعه توثیق نشده‌اند (ر.ک: طوسی، ۱۳۴۸، ص ۲۳۲؛ موسوی خوئی، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص ۹۵ و ۱۴۴).

دلیل دوم: به فرض صحت اتهام وضع و تحریف احادیث به ابو خالد، درباره این کتاب این اتهام مسموع نیست؛ زیرا چگونه ممکن است وی کتابی به این حجم وضع کند و به زید نسبت دهد بدون آنکه کسی نسبت به این امر آگاهی یابد، به‌ویژه آنکه راوی دوم معاصر ابو خالد و زید بوده و بر وی چنین امری مخفی نمی‌ماند. علاوه بر این، راوی سوم، نوه فرزند زید بوده و طبیعی است که نسبت به این کتاب از آباءش شناخت کافی کسب کرده باشد (زید بن علی، ۱۴۱۲، ص ۴۸).

بررسی: حداکثر چیزی که باشواهد مذکور ثابت می‌شود این است که مطالب کتاب غریب القرآن از زید می‌باشد و به دروغ به وی نسبت داده نشده است، ولی انتساب کتاب به زید ثابت نمی‌شود؛ یعنی به استناد قراین مذکور، نمی‌توان گفت زید خود کتاب غریب القرآن را نگاشته است.

باشد. در هر حال، اینکه بگوییم أبان قبل از زید کتابش را نگاشته احتمالی بیش نیست و احتمال اینکه زید پیش از أبان نوشته باشد بُعدی ندارد؛ از این رو، هیچ راهی جز اینکه تاریخ درگذشت آن دو را ملاک قرار دهیم نداریم.

۳-۶-۲. دیدگاه‌های مختلف درباره نسبت کتاب غریب القرآن به زید: در صحت انتساب غریب القرآن به زید اختلاف است. در ادامه، این اختلاف‌ها در سه قسمت «تردیدکنندگان در صحت انتساب»، «قایلان به صحت انتساب» و «نفی‌کنندگان انتساب کتاب به زید» بررسی می‌کنیم.

۳-۶-۱. تصحیح انتساب: فؤاد سزگین درباره غریب القرآن منسوب به زید می‌نویسد: رواه ابو خالد عمرو بن خالد الواسطی، و هذا التفسیر بناهض القدریة (سزگین، ۱۴۰۲، ج ۳، ص ۳۲۲). وی سپس به بررسی صحت و سقم انتساب کتاب به زید پرداخته و در نهایت می‌نگارد: «هیچ مجوزی برای شک در اصالت نسبت کتاب غریب القرآن به زید وجود ندارد... پس این کتاب از کتاب‌های اندکی به‌شمار می‌آید که از زمان‌های کهن به دست ما رسیده است» (همان). عمر رضا کحاله نیز آن را بدون تردید به زید نسبت داده است (کحاله، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۷۳۹).

حسن محمد تقی حکیم، نخستین محقق کتاب «غریب القرآن»، استناد آن به زید را درست دانسته و علت عدم ذکر آن در منابع ویژه ذکر اسامی مؤلفان را تکیه آنها بر الفهرست ابن ندیم می‌داند، و بر آن است که چون ابن ندیم از این کتاب یاد نکرده، در کتب دیگر هم ذکر نشده است (زید بن علی، ۱۴۱۲، ص ۴۸).

بررسی ادله حسن محمد تقی حکیم بر صحت انتساب کتاب به زید: حکیم ادله متعددی برای اثبات صحت انتساب کتاب به زید ذکر کرده که ظاهراً هیچ‌کدام از آنها دلیل قانع‌کننده‌ای نمی‌باشد. در ادامه، آنها را بیان و

۲. طبقات الزیدیه صارم‌الدین که در ترجمه ابو‌خالد واسطی چنین نگاشته است: «و روی عن ابي خالد تفسیر الغریب للإمام زید بن علی، عطاء بن السائب» (همان، به نقل از: طبقات الزیدیه، ج ۴، ص ۲۱۷).

۳. الروض النضیر که در آن چنین آمده است: «و روی عن ابي خالد تفسیر الغریب للامام زید بن علی عطاء بن سائب» (همان، به نقل از: الروض النضیر، ج ۱، ص ۶۶). بررسی: دو عبارت اخیر جز بر اینکه ابو‌خالد «غریب القرآن» زید را روایت کرده دلالت نمی‌کند؛ یعنی از این دو عبارت فهمیده نمی‌شود کتاب نگاشته خود زید است؛ آری، استناد مطالب کتاب به زید به این معنا که اقوال منقول از زید هستند از آن استفاده می‌شود. عبارت نخست هرچند ظهوری در اینکه کتابی برای زید بوده دارد، ولی ظهوری قوی نیست و با تکیه بر آن نمی‌توان از کتاب غریب‌القرآنی که خود زید نگاشته باشد مطمئن شد؛ چراکه ممکن است اشاره وی به جلسات تفسیری زید باشد نه کتاب نگاشته شده توسط وی. اگر نگاشته‌ای بود و از آن گزارش می‌کرد، کلماتی مانند کتب مناسب‌تر بود.

دلیل هفتم: در برخی کتاب‌ها بدون ذکر مأخذ، مطالبی به زید نسبت داده شده که عیناً در کتاب مورد بحث موجود است (همان، ص ۴۹).

بررسی: صرف اینکه مطالبی از زید در کتاب‌های دیگر نقل شده باشد که عین متن کتاب مذکور است، دلیل بر اینکه کتاب مذکور نگاشته زید می‌باشد نیست.

دلیل هشتم: برخی از اقوال زید در کتاب مورد بحث با آنچه در کتاب‌های دیگر وی آمده منطبق است (همان).

بررسی: این امر دلیلی بر صحت انتساب کتاب به زید نیست، بلکه تنها اثبات می‌کند انتساب اقوال مذکور به زید درست می‌باشد.

دلیل نهم: قرائت‌هایی به زید در کتاب‌های قرائت و

دلیل سوم: اینکه کسی یا کسانی کتاب دیگری را به خود نسبت دهند و بدین‌گونه، جایگاهی علمی برای خود دست و پا کنند قابل پذیرش است، ولی اینکه کسی کتاب خود را به دیگری نسبت دهد قابل پذیرش نیست (همان). **بررسی:** ابو‌خالد که راوی نخست از زید است، کتاب را به زید نسبت نداده، بلکه تعبیری که در کتاب آمده حاکی از این است که کتاب مزبور اقوال و دیدگاه‌های زید است که توسط ابو‌خالد جمع‌آوری و تألیف شده است. در ادامه، این شواهد و قرائن بیان خواهد شد.

دلیل چهارم: ابو‌خالد متضلع در لغت نبوده و نیز احاطه وی در تفسیر نقل نشده است، برخلاف زید که احاطه بر تفسیر داشته است و همین امر باعث می‌شود تردیدی در نسبت کتاب به زید نداشته باشیم (همان).

بررسی: برای تألیف کتابی که مجموعه نقل‌هایی از یک یا چند فرد می‌باشد، تخصص و احاطه لازم نیست و اینکه کتاب مزبور نقل‌هایی از زید است محل بحث نیست؛ از این رو، جمع‌آوری آنها در یک کتاب از سوی ابو‌خالد هیچ بعدی ندارد.

دلیل پنجم: هیچ کس دیگری مدعی کتاب نشده است (همان).

بررسی: زید هم مدعی کتاب نشده، بلکه این امر که آیا کتاب مزبور نگاشته زید است یا نه، موضوع بحث می‌باشد. اگر عباراتی از زید وجود داشت که حاکی از این بود که وی این کتاب را خود نگاشته یا به دیگری املاء کرده است، در انتساب کتاب به زید دیگر بحثی نمی‌ماند. **دلیل ششم:** در سه کتاب، این کتاب به زید نسبت داده شده است که عبارتند از:

۱. **الأمالی** ابن‌شجری که در آن چنین آمده است: «قال الامام أبو‌الحسین زید بن علی عليه السلام فی التفسیر الغریب» (همان، به نقل از: الأمالی، ج ۲، ص ۱۰۳).

هم شامل می‌شود. وی در این باره می‌نویسد: «صحیح آن الکتب المنحولة لجعفر الصادق [علیه السلام] من عمل ببعض المتأخرین، و أن التی نسبت الی زیدبن علی [علیه السلام] اقدم تاریخاً منها، و لکن هذه ایضاً لا یمكن الوثوق بصحة نسبتها» (بروکلمان، بی تا، قسم ثانی، جزء ۳-۴، ص ۳۴۸). اسحاق علی شواخ و زرکلی صحت انتساب «غریب القرآن» به زید را نیازمند تحقیق و بررسی دانسته‌اند (ر.ک: شعبی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۹۴؛ زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۳، ص ۵۹).

۳-۲-۳. رد انتساب: حسینی جلالی، محقق و نشردهنده کتاب «غریب القرآن» منسوب به زید در ایران، درباره آن می‌نویسد: «ذکر هذا الكتاب فی مؤلفات زید الشهدی کل من ترجمه، و من جملة الذین ذکر والہ هذا الكتاب: ابن الندیم فی فهرسته، و الشیخ عبدالواسع الواسعی... و الدكتور علی حسن عبدالقادر فی کتابه: "نظرة عامة فی تاریخ الفقه الاسلامی": ۱۸۱» (زیدبن علی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۴).

اینکه ایشان نوشته‌اند تمام کسانی که به ترجمه زید پرداخته‌اند، این کتاب را ذکر کرده‌اند عجیب است. عجیب‌تر اینکه ایشان فهرست ابن‌ندیم را از جمله آن کتاب‌ها ذکر کرده‌اند، درحالی‌که حکیم ذکر نکردن کتاب مورد بحث در *الفهرست* را علت ذکر نکردن آن در دیگر کتب دانسته‌اند. نگارنده نیز با مراجعه به مظان ذکر آن در *الفهرست* و نیز جست‌وجوی رایانه‌ای در آن، به چنین کتابی در *الفهرست* ابن‌ندیم دست نیافت.

البته حسینی جلالی علاوه بر گزارش تردید برخی در انتساب کتاب به زید، خود به صورت قاطع انتساب کتاب را رد کرده است. وی در این باره می‌نویسد: «آنچه در آغاز این تفسیر وارد شده و در آغاز هر سوره تکرار شده است گمان به اینکه این تفسیر جمع‌آوری روایات منقول از زید

تفسیر نسبت داده شده است که عیناً یا معنأً مطابق با قرائت‌هایی است که در کتاب مورد بحث موجود است (همان). بررسی: این تطابق صرفاً ثابت می‌کند این قرائتی که در کتاب مذکور ذکر شده از آن زید است، ولی آنچه مورد بحث است انتساب کتاب *غریب القرآن* به زید می‌باشد.

دلیل دهم: آراء بسیاری در این کتاب موجود است که همین آراء در کتاب‌های دیگر زید نیز موجود است با اینکه راوی آنها مختلف‌اند (همان، ص ۵۰).

بررسی: این امر حداکثر اثبات می‌کند این اقوالی که در «غریب القرآن» به زید نسبت داده شده از آن اوست ولی اثبات‌کننده صحت انتساب کتاب به زید به این معنی که زید مؤلف کتاب بوده است، نمی‌باشد.

دلیل یازدهم: شاید از قوی‌ترین ادله بر صحت نسبت این کتاب به زید، مطلبی است که *امالی* به اقتباس از این کتاب آورده و آن اینکه وی نقل می‌کند: اخبرنا ابو جعفر قال حدثنا علی بن احمد قال حدثنا عطاء بن السائب عن ابي خالد الواسطي عن الامام الشهيد ابي الحسين زیدبن علی علیه و علی آباءه الصلاة و السلام فی قوله تعالی: ﴿فیهما یفرق کل امر حکیم﴾ (دخان: ۴) بلفظه معنی یقضى او یدبر فی اللیلة المبارکة هی لیلة القدر یقضى فیهما امر السنة من الارزاق و غیر ذلك الی مثلها من السنة الاخری» (همان، به نقل از: *الامالی*، ص ۱۰۳).

بررسی: سند مذکور در بیان مطالب مربوط به هر سوره در آغاز ذکر شده است، ولی همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، از آن نمی‌توان به این نتیجه دست یافت که کتاب نگاشته زید است و نقل آن در کتاب *امالی* نیز مشکلی را از این جهت حل نمی‌کند.

۳-۲-۲. **تردید در انتساب:** بروکلمان گرچه از «غریب القرآن» زید نام نبرده است، ولی در صحت انتساب تمام کتاب‌های منتسب به زید تردید کرده که این کتاب را

سوره «مائده»، آیه ۱۱۰ پس از آیه ۱۱۲ معنا شده است (زیدبن علی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۳۱، نیز، ر.ک: همان ص ۱۴۲). در مواردی با بیان مصداق یا مصادیق اولیه تفسیر کرده است؛ مثلاً، در تفسیر «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» (حمد: ۷) می‌نویسد: هم الیهود والنصارى (همان، ص ۷۷) و در مواردی، توضیحاتی علاوه بر معنای واژه‌ها افزوده شده است؛ برای نمونه، ذیل آیه «... وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ» (نمل: ۱۲) چنین آمده است: قال زیدبن علی عليه السلام: انما أمر أن يدخلها في جيبه لأنه لم يكن لها كم (همان، ص ۲۳۶). بدین سان، این کتاب تفسیر لغوی محض نیست.

در مواردی، لغات قبایل معین شده است؛ مثلاً، ذیل آیه «فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» (بقره: ۱۴۴) چنین آمده است: قال زیدبن علی عليه السلام [معناه] نحوه و تلقاؤه، هو بلغة اهل يثرب والشطر ايضاً النصف الجمع أشطار و شطور و هي لغة بني تغلب (همان، ص ۹۱، نیز، ر.ک: همان، ص ۲۱۰، ۲۶۷، ۲۷۱، ۴۰۹). نیز در مواردی واژه‌های غیر عربی مشخص شده است (برای نمونه، ر.ک: همان، ص ۱۶۲، ۳۲۵، ۳۳۵، ۳۷۲). در کتاب مزبور جز در یک مورد به شعر استناد نشده است (همان، ص ۳۵۴).

خلاصه و نتیجه‌گیری

در برخی منابع کتابی به نام «قراءة زیدبن علی» یاد شده، و برخی کتاب‌شناسان مجموعه‌ای با عنوان «قراءة جده علی بن ابی طالب» به وی نسبت داده‌اند. این مجموعه همان است که با عنوان «قراءة زید» از آن یاد شده است و بنابراین، زید قرائتی خاص خود نداشته است، بلکه آن را از امام امیرالمؤمنین روایت کرده است.

نگاشته‌های قرآنی یا با جهت‌گیری قرآنی منسوب به زید عبارتند از: مدخل الی القرآن و تفسیر لمواضع مختارة منه، تفسیر سورة الفاتحة و بعض آیات القرآن،

در تفسیر غریب القرآن می‌باشد را تقویت می‌کند» (زیدبن علی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۵). وی ذیل ذکر سند کتاب در آغاز تفسیر سوره «حمد» که در آن آمده: ... حدثنا ابو خالد عمرو بن خالد الواسطی، عن زیدبن علی عليه السلام أنه سئل عن فاتحة الكتاب، (زیدبن علی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۱۹)، می‌نویسد: «این عبارت دلالت می‌کند بر اینکه عمرو بن خالد واسطی متولی تدوین و جمع این کتاب بوده است و او این تفاسیر را از زید شنیده است، البته این امر مستلزم اینکه وی همه تفسیر را در یک مجلس شنیده باشد یا زید املاء کرده و وی نگاشته باشد، نیست» (همان، ص ۱۱۹، پانوش ۲). ایشان تعبیر «سئل» در سند مذکور را دال بر این دانسته که زید خود مؤلف کتاب نیست. وی تعابیر دیگری همچون «قال زیدبن علی عليه السلام: هي شجرة الكرم و قال - فی موضع آخر - هي السنبلة» (همان، ص ۱۲۶ «در تعیین شجره ممنوعه») و «للامام زید عليه السلام فيه قول يأتي» (همان، ص ۳۷۳) در متن کتاب «غریب القرآن» موجود را نیز دال بر مطلب فوق می‌داند.

۲-۴-۳. دیدگاه منتخب: با توجه به مطالب مذکور، اطمینان حاصل می‌شود که کتاب «غریب القرآن» را زید نگاشته است و حداقل اینکه کتاب مزبور نگاشته خود زید باشد برایمان اثبات نمی‌شود. البته همین مجموعه هر چند نگاشته خود زید نباشد نشانگر جایگاه بلند وی در تفسیر آیات الهی است؛ چراکه ظاهراً در اینکه مطالب کتاب از زید هستند شکی وجود ندارد و برخی شواهد آن در نقد استدلال‌هایی که بر نگارش آن از سوی زید بیان شده بود، روشن شد. در ادامه، برای آنکه بیشتر با این مجموعه و در واقع، با شخصیت تفسیری زید شهید آشنا شویم، شیوه کتاب در طرح مباحث را به صورت گذرا بیان می‌کنیم.

۳-۶-۳. شیوه کتاب «غریب القرآن»: در این کتاب، واژه‌ها به ترتیب سوره‌ها و آیات قرآن معنا شده و تنها در موارد اندکی ترتیب آیات لحاظ نشده است. برای نمونه، در

منابع

- ابن جنی، عثمان، ۱۴۲۰ق، *المحتسب فی تبیین وجوه شواذ القراءات و الايضاح عنها*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن حبان، محمد بن احمد، بی تا، *کتاب الثقات*، بیروت، دارالفکر.
- ابن سعد، محمد، ۱۳۷۶ق، *الطبقات الكبرى*، بیروت، دار صادر.
- ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۲۱ق، *سعد السعود للنفوس*، تحقیق فارس تبریزیان الحسون، قم، دلیل.
- ابن عباس، عبداللّٰه، ۱۴۰۸ق، *غریب القرآن*، تحقیق و تعلیق محمدابراهیم سلیم، قاهره، مکتبه القرآن.
- ابن عباس، عبداللّٰه، ۱۴۱۳ق، *غریب القرآن فی شعر العرب (سؤالات نافع بن الازرق إلى عبداللّٰه بن عباس)*، تحقیق محمد عبدالرحیم و احمد نصراللّٰه، بیروت، مؤسسه الکتب الثقافیة.
- ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، *تاریخ مدینة دمشق*، بیروت، دارالفکر.
- ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف، ۱۴۱۲ق، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت، دارالفکر.
- ابومنصور البغدادی، عبدالقاهر، ۱۳۴۶ق، *اصول الدین*، استانبول، مطبعة الدولة.
- اسماعیل باشا البغدادی، بی تا، *هدیة العارفين أسماء المؤلفين و آثار المصنفين*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- امین، سیدمحسن، ۱۴۰۶ق، *أعیان الشیعة*، حقیقه و اخرجہ و استدرک علیه حسن الامین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- بابایی، علی اکبر، ۱۳۸۷، *تاریخ تفسیر قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی اللّٰه عنہ.
- بروکلمان، کارل، بی تا، *تاریخ الأدب العربی*، تعریب عبدالحلیم النجار، سیدیعقوب بکر و رمضان عبدالنواب، ط. الثانية، تهران، دارالکتاب الاسلامی.
- حاجی خلیفه، بی تا، *کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حمودی السامرائی، خلیل ابراهیم، ۱۴۲۷ق، *قراءة زیدبن علی دراسة نحویة و لغویة*، بیروت، مؤسسه الرساله.
- داوودی، شمس الدین محمد بن علی بن احمد، بی تا، *طبقات المفسرین*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ذهبی، محمدحسین، بی تا، *التفسیر و المفسرون*، بیروت، دارالارقم للطباعة و النشر و التوزیع.
- زرکلی، خیرالدین، ۱۹۸۶، *الاعلام*، ط. السابعة، بیروت، دارالعلم للملایین.

کتاب الرد علی القدریة من القرآن، کتاب الصفوة، کتاب القلة و الکثرة، تفسیر غریب القرآن.

فؤاد سزگین در معرفی «مدخل الی القرآن و تفسیر لمواضع مختارة منه» می نویسد: «له کتاب یعدّ مدخلا الی القرآن مع شرح لبعض مواضعه».

حسن محمدتقی حکیم در مقدمه تحقیق غریب القرآن زید از کتاب تفسیر سورة الفاتحة و بعض آیات القرآن یاد کرده است، ولی در منابعی که آثار زید را برشمرده اند چنین کتابی ذکر نشده است. احتمالاً این مجموعه حاصل درس های تفسیر زید در مدت ۵ ماه زندانی بودنش در کوفه می باشد، ولی اینکه نگاشته خود وی باشد معلوم نیست. ظاهراً کتاب الرد علی القدریة من القرآن که برخی آن را به زید نسبت داده اند، همان الرد علی المجبرة است که در ضمن مجموعه کتاب ها و رسائل زید منتشر شده است.

زید کتاب الصفوة را به منظور اثبات برتری اهل بیت علیهم السلام با تکیه بر آیات قرآن نگاشت و آیات بیانگر مساوی نبودن امت انبیای الهی و وجود گروهی برتر و برگزیده در میان ایشان، و به دنبال آن آیات بیانگر اصطفاء اهل بیت پیامبر اسلام صلی اللّٰه علیہ و آله و سلم را بررسی کرد.

کتاب القلة و الکثرة نگاشته خود زید یا به املائی اوست و در آن در پی اثبات این مطلب است که از نگاه قرآن اکثریت ملاک حقانیت نیست.

در صورت صحت انتساب کتاب غریب القرآن به زید، نخستین تألیف در غریب القرآن خواهد بود. برخی، ادله متعددی بر صحت انتساب «غریب القرآن» به زید اقامه کرده اند، ولی هیچ کدام از آنها انتساب کتاب به زید را اثبات نمی کند، بلکه حداکثر اثبات کننده انتساب اقوال مذکور در کتاب مزبور به زید می باشد. برخی نیز به استناد تعبیر آغازین و برخی تعابیر میانی کتاب، بر آنند که کتاب غریب القرآن نگاشته زید نیست که ظاهراً این دیدگاه درباره کتاب زید، درست می باشد.

- زيدبن على، ١٤١٢ق، تفسير الشهيد زيدبن على، تقديم و تحقيق حسن محمدتقى حكيم، بيروت، الدارالعالمية.
- زيدبن على، ١٤١٨ق، غريب القرآن، تحقيق محمدجواد حسيني جلالى، ج دوم، قم، مكتب الاعلام الاسلامى.
- سبحانى، جعفر، ١٣٧٨، فرهنگ عقايد و مذاهب اسلامى، ج دوم، قم، توحيد.
- سبحانى، جعفر، ١٤١٨ق، الزيدية فى موكب التاريخ، بيروت، دارالاضواء.
- سبحانى، جعفر، ١٤٢٠ق، بحوث فى الملل و النحل، ج پنجم، قم، مؤسسة النشر الاسلامى.
- سزگين، فؤاد، ١٤٠٢ق، تاريخ التراث العربى، قم، مكتبة آية الله المرعشى النجفى.
- سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن، ١٣٩٦ق، طبقات المفسرين، تحقيق على محمد عمر، قاهره، مكتبة و هبة.
- شعيبى، على شواخ اسحاق، ١٤٠٤ق، معجم مصنفات القرآن الكريم، رياض، دارالرفاعى.
- صدر، سيدحسن، بى تا، تأسيس الشيعة لعلوم الاسلام، تهران، اعلمى.
- طوسى، محمدبن حسن، ١٣٤٨، اختيار معرفة الرجال المعروف برجال الكشى، تصحيح و تعليق حسن مصطفى، مشهد، دانشگاه مشهد.
- طوسى، محمدبن حسن، ١٤١٥ق، رجال الطوسى، تحقيق جواد قيوى، قم، جامعه مدرسین.
- طوسى، محمدبن حسن، ١٤٢٠ق، فهرست كتب الشيعة و اصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول، تحقيق سيدعبدالعزیز طباطبايى، قم، مكتبة المحقق الطباطبايى.
- طهرانى، آقابزرگ، ١٤٠٣ق، الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج سوم، بيروت، دارالاضواء.
- قمى، على بن ابراهيم، بى تا، تفسير القمى، تصحيح و تعليق سيدطيب موسوى جزائرى، قم، مؤسسة دار الكتاب للطباعة و النشر.
- كجالة، عمررضا، ١٤١٤ق، معجم المؤلفين، بيروت، مؤسسة الرسالة.
- كرمانى، محمدبن ابى نصر، ١٤٢٢ق، شواذ القراءات، تحقيق شمران العجلى، بيروت، مؤسسة البلاغ.
- مجلسى، محمدباقر، ١٤٠٣ق، بحار الانوار، ط. الثالثة، بيروت، دارالاحياء للتراث العربى.
- مختار عمر، احمد و سالم مكرم، عبدالعال، ١٤١٢ق، معجم القراءات القرآنية، تهران، اسوه.
- ميرزى، ابوالحجاج يوسف، ١٤١٣ق، تهذيب الكمال، تحقيق و ضبط و تعليق بشار عواد معروف، بيروت، مؤسسة الرسالة.
- معرفت، محمدهادى، ١٤١٩ق، التفسير و المفسرون فى ثوبه القشيب، مشهد، الجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية.
- مفيد، محمدبن محمدبن نعمان، ١٤١٣ق، الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد، قم، المؤتمر العالمى لألفية الشيخ المفيد.
- مقرم، عبدالرزاق موسى، ١٣٥٥ق، زيد الشهيد، مطبعة الغربى فى النجف.
- مقرى، احمدبن محمد، بى تا، نفع الطيب من غصن الاندلس الرطيب، بيروت، دارالكتاب العربى.
- مقرىزى، تقى الدين احمدبن على، بى تا، كتاب المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار المعروف بالخطط المقرىزية، بغداد، مكتبة المثنى.
- موسوى خوئى، سيدابوالقاسم، ١٤٠٩ق، معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، ج چهارم، بيروت، دارالزهراء.
- مهذوى راد، محمدعلى، ١٤٢١ق، سير نگارش هاى علوم قرآنى، تهران، نمايشگاه بين المللى قرآن كريم.
- نجاشى، احمدبن على بن احمد، بى تا، رجال النجاشى، تحقيق سيدموسى شيبيرى زنجانى، قم، جامعه مدرسین.
- نصار، حسين، ١٤٠٨ق، المعجم العربى نشأته و تطوره، ج چهارم، مصر، دار مصر للطباعة.
- نويهض، عادل، ١٤٠٩ق، معجم المفسرين من صدر الاسلام حتى العصر الحاضر، ج سوم، مؤسسة نويهض الثقافية.
- وجيه، عبدالسلام بن عباس، ١٤٢٠ق، أعلام المؤلفين الزيدية، عمان، مؤسسة الامام زيدبن على.